

# ديوان

مجلة علمي - تحقيقي بين المللي ديوان

ديوان نړيوال علمي - څيړنيزه ژورنال

مجلة ديوان الدولية للبحوث العلمية

DIWAN Uluslararası Bilimsel Araştırma Dergisi  
DIWAN International Scientific and Research Journal

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۵ شماره: ۰۱ سال: ۱۴۰۲

Volume: 5 Issue: 1 Year: 2024

حقوق زندانبانان در شريعت اسلامي

حقوق السجنان في الإسلام

İslam'da Gardiyanlar Hukuku

The Entitlements of Prison Guards in Islamic Sharia

Doi: <http://dx.doi.org/10.48117/Diwan.2024.35>

عبدالواحد جهيد\*

## Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Research Article

Geliş Tarihi / Received Date: 25.12.2023

Kabul Tarihi / Accepted Date: 13.01.2024

## معلومات مقاله / بيانات المقال

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقيقي / البحثي

تاريخ دريافت مقاله / تاريخ استلام المقال:

تاريخ پذيرش مقاله / تاريخ قبول المقال:

Bu makale, Turnitin yazılımınca taranmıştır. İntihal

tespit edilmemiştir.

This article has been scanned by Turnitin. No

plagiarism detected.

این مقاله توسط نرم افزار تورنتین (Turnitin) بررسی شده

(plagiarism) یا سرقت ادبی ثبت نگردید.

قد خضع المقال لبرنامج فحص الانتحال (Turnitin) و لم

يثبت أنه من السرقات الأدبية.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

عبدالواحد جهيد، "حقوق زندانبانان در شريعت اسلامي"، مجلة ديوان ۱/۵ (جدي ۱۴۰۲)، ۹-۳۰.

Atıf

Abdul Wahed Jaheed, "İslam'da Gardiyanlar Hukuku", *Diwan Dergisi* 5/1 (Ocak 2024), 9-30.

\* استاد ديارتمنت فقه و عقیده پوهنتون تعليم و تربيه كابل

ORCID ID: 0009-0009-6666-3652

## چکیده:

## کلمات کلیدی:

حقوق، زندانبان،  
زندانی، زندان و شریعت  
اسلامی

زندانبان به‌عنوان مراقب زندان و احوال زندانبان، در کنار صلاحیت‌های اجرایی بر تطبیق مجازات شرعی و قانونی بر زندانبان، دارای حقوقی است که باید برای آن تعریف شود، برخی از این حقوق، به اساس اصل حقوق بشری، برخی هم بر بنیاد اینکه جانشینان اولیای امور در اجرای احکام شرعی و قانونی هستند تعریف می‌شود. پژوهش حاضر درصدد بررسی و اثبات حقوق زندانبان، از منظر شریعت اسلامی با روش توصیفی-تحلیلی است که روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده، ثمره واضح این تحقیق، اثبات حقوق برای زندانبان از منظر شریعت اسلامی است، مهم‌ترین حقوق زندانبان، تمکین از ناحیه زندانبان در حد مشروع، حق خیرخواهی، نظارت از احوال زندانبان، حق تشویق، تأدیب و استجواب زندانبان، حق دفاع مشروع و عدم تعقیب قضایی، حق تأمین معیشت هنگام انجام وظیفه و بعد از بازنشستگی است

## الملخص:

## الكلمات المفتاحية:

الحقوق، السجنان،  
السجين، السجن  
والشريعة الإسلامية

للسجان باعتباره القائم على إدارة السجن وأحوال السجناء، تضاف له الصلاحيات التنفيذية يقوم بتطبيق الشريعة وعقوباتها على؛ وهكذا له حقوق ينبغي أن تحدّد له، اليكم بعض هذه الحقوق على مبادئ حقوق الإنسان، وبعضها الآخر يستند إلى أن القائمين بأمر السجن والسجناء هم موكلون أولياء الأمور في تطبيق الأحكام الشرعية وتنفيذ القانون. ويهدف هذا البحث إلى دراسة حقوق السجناء وتحديد ما من منظور الشريعة الإسلامية بالأسلوب الوصفي التحليلي. واعتمد الباحث في تحقيقه على المكتبة والوثائق، ومن أهم فوائد البحث التوصل لحقوق حارس السجن وإثباتها في ضوء الشريعة الإسلامية، ومن أهم حقوق السجناء إطاعة السجناء والخضوع له بالقدر المشروع ليتصرف عليهم تمكّنه منهم، وحق الإحسان، ومراقبة أحوال السجناء، وحق تشجيع بالإحسان وتأديبهم وإن أخطأوا، وحق الدفاع المشروع و ترك الملاحقة القضائية، تأمين سبل العيش أثناء أداء الوظيفة وبعد التقاعد

**Özet:**

Gardiyanlar, mahkûmların gözetilmesi, onlar hakkında İslâm hukukunun belirlediği cezaların uygulanması gibi birtakım sorumlulukları yanında kendileri için tanınması gereken bazı haklara da sahiptirler. Bu haklardan bazıları insan hakları ilkesine bazıları ise hapisane ve mahpusların işlerini düzenleyen hukukçulara dayanmaktadır. Bu araştırmada, kütüphanelerden ve vesikalardan yararlanılarak İslam hukuku açısından betimsel-analitik yöntemiyle gardiyanların hakları ele alınmaktadır. Cezaevi gardiyanının en önemli hakları, tutukluları meşru ölçüler içerisinde soruşturma, tutukluların durumlarını gözetme, teşvik etme, disipline etme ve sorgulama hakkı, meşru müdafaa ve soruşturmaya maruz kalmama, görevi yerine getirirken ve emekli olduktan sonra geçimini sağlama hak.

**Anahtar Kelimeler:**

Hukuk, Gardiyan, Mahkûm, Hapishane ve İslam Hukuku.

**Abstract:**

The custodian, who oversees prisons and the well-being of inmates, possesses certain rights that should be accurately and justly delineated. In addition to their administrative duties, they are responsible for implementing lawful and Sharia punishments on prisoners. A portion of these rights is established on the foundation of human rights principles, while others stem from their role as representatives of the authorities responsible for carrying out legal and Sharia judgments. The objective of this study is to explore and establish the rights of prison guards within the framework of Islamic Sharia. This will be accomplished through a descriptive-analytical approach, utilizing data and information gathered from library sources and documents. The definitive result of this study is the establishment of the rights of prison guards in accordance with Islamic Sharia principles. The findings highlight key rights that include guaranteeing fair treatment of prisoners, the right to kindness, overseeing prisoner affairs, the right to motivation, maintaining discipline and conducting interrogations, the right to lawful self-defense and immunity from prosecution, as well as the right to a livelihood both during and after retirement.

**Keywords:**

Rights, jailer, Prisoner, Prison and Islamic Sharia.

## مقدمه:

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله الامين وعلى آله وصحبه اجمعين. و بعد.

شریعت اسلامی طبق برنامه جامع و کاملی که دارد، حقوق و تکالیف همه افراد جامعه، چه رعیت و چه مسئولین را بیان داشته است، تا از حقوق شان مستفید گردند، در مقاله حاضر در پی انجام تحقیق بر موضوع حقوق زندانبانان هستیم، گروهی که همیشه برای آنان تکالیف شرح شده ولی از حقوق آنان توضیحی به میان نیامده است.

**بیان مسئله:** یکی از جوانب زیدخل در قضیه زندان، زندانی کردن، مراقبت از زندان و تطبیق مجازات بر مجرمین زندانها در سراسر جهان در گذشته و حال، زندانبان است، ممثل شخص حقوقی که همیشه برای وی تکلیف تعریف شده؛ ولی از حقوق آن نه در قدیم و نه در حال یادآوری شده است.

**اهمیت موضوع:** تصور بر این است که زندانبانان، همیشه دارای صلاحیت‌های اجرایی بوده‌اند، این صلاحیت‌ها آنان را از حقوقی که باید برایشان تعریف می‌شد، بی‌نیاز می‌سازد. درحالی که تکلیف و حقوق دو بال یک فرد مکلف در امور عامه است، هیچ‌گاه دیده نه شده، فرد و یا افرادی، تکالیفی بر عهده داشته باشند؛ اما هیچ‌گونه حقوقی چه مادی و چه معنوی برایشان وجود نداشته باشد. در این مقاله بعد از معرفی زندانبان به مهم‌ترین حقوق زندانبانان پرداخته می‌شود.

**اهداف تحقیق:** محقق با در نظر داشت عنوان و مسأله موجود به دنبال تحقق اهداف ذیل است:

بیان مواصفات زندانبان از منظر شریعت اسلامی.

بررسی حقوق زندانبان از منظر شریعت اسلامی.

بررسی تکالیف زندانبان و تفکیک آنها با حقوق زندانبان.

**سوالات تحقیق:** مواصفات زندانبانان از منظر شریعت اسلامی کدام‌ها اند؟

حقوق زندانبانان از منظر شریعت اسلامی کدام‌ها اند؟

چه تفکیک میان تکالیف و حقوق زندانبانان وجود دارد؟

**فرضیه‌های تحقیق:** زندانبانان از نظر شریعت اسلامی دارای مواصفاتنی هستند.

زندانبانان از نظر شریعت اسلامی دارای حقوق و تکالیفی هستند.

**پیشینه موضوع:** در صدر اسلام، عصر نبوت و خلفای راشدین، زندان آن‌قدر گسترش نیافته بود که برای مدیریت آن دستگاه خاص گماشته می‌شد؛ بلکه اصل، عدم تمرکز بر زندان و زندان سازی بود، از مجازات زندان به‌عنوان تعزیر و به حد ضرورت و نیاز، سود برده می‌شد، افراد محکوم به حبس، برای مدت محدودی تحت نظارت قرار می‌داشتند. با تثبیت

حقیقت، حکم شرعی بر آنان تطبیق می‌گردد و در صورت براءت رها می‌شدند. افراد محبوس در مسجد، دهلیزها، خانه‌های مسکونی نگهداری می‌شدند.<sup>۱</sup> مسئولینی که مکلفیت تأمین نظم و امنیت عمومی را بر عهده داشتند، امور زندانبانان را نیز سرپرستی می‌کردند. در رابطه به موضوع حقوق زندانبان مستقلی که مبین تمامی جوانب حقوقی زندانبانان باشد کتاب و اثری از طرف فقهای قدیمی انجام نه شده است؛ اما با در نظر داشت این که شریعت اسلامی منابع غنی برای همه امور عبادی و سیاسی است، در نوشته‌های فقهاء جاه‌جاهی به امور زندانبانی پرداخته شده است؛ اما بیشترین مطالب موجود در این منابع متمرکز بر احکام زندان و تکالیف زندانبان است. ابن السِّمَّانی، متوفی (۴۹۹هـ) در کتاب، روضة القضاة وطریق النجاة، ابن قیم الجوزیه متوفی (۷۵۱هـ)، در کتاب الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، علاء الدین طرابلسی متوفی (۸۴۴هـ) در کتاب معین الحکام فیما یتردد بین الخصمین من الأحکام، در رابطه به احکام و تکالیف، شرطه و پولیس مطالبی را به بررسی گرفته اند؛ اما در رابطه به حقوق آنان چیزی تذکر نداده اند. در نوشته‌ها و آثار نویسندگان معاصر، آقای نمر بن محمد الحمدانی، در کتاب: ولاية الشرطة فی الاسلام دراسة فقهیة تطبیقیة، که در سال ۱۹۹۴م به چاپ رسیده است و همچنان آقای صلاح التجانی حمودی، در مقاله تحت عنوان: نشأة وتطور الشرطة فی الدولة الاسلامیة که در مجله: المجلة العربیة للدراسات الامنیة، نشر شده است، همچنان آقای، ثنا عبدالعزیز الشعراوی، در مقاله: عقوبة السجن نشأتها وتطورها فی العصر الاسلامی که در مجله: حولیة کلیة الدراسات الاسلامیة والعربیة للبنات، چاپ گردیده، به مسایل پولیس و زندان پرداخته اند؛ اما از حقوق زندانبانان، بحثی به میان نیاورده اند. اخیراً تحقیق جامعی در دانشگاه فردوسی مشهد زیر نام: «مطالعه تطبیقی حقوق زندانبانان و زندانبانان در شریعت اسلامی و حقوق موضوعه افغانستان» در مرحله دکتری انجام شده که در آن برخی از حقوق زندانبانان توضیح داده شده است. اما محتوای کامل این رساله تا اکنون قابل دسترس برای عموم نیست.

**روش و مواد تحقیق:** این تحقیق با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی انجام یافته است. روش جمع آوری مطالب از منابع معتبر قدیم و جدید، با بکارگیری کلید واژه‌های مرتبط به موضوع تحقیق صورت گرفته است.

**ساختار تحقیق:** ساختار این تحقیق متشکل از مقدمه، مواصفات زندانبانان و حقوق زندانبانان، مناقشه و نتیجه‌گیری و فهرست منابع است.

<sup>۱</sup> عثمان بن علی الزیلعی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشیة الشَّیْبِیِّ (القاهرة: المطبعة الكبرى الأمیریة، ۱۳۱۳)، ۴/۱۷۹؛ محمد امین ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲)، ۵/۳۷۵؛ علاء الدین الطرابلسی، معین الحکام فیما یتردد بین الخصمین من الأحکام (بی نا: دار الفکر، بی تا)، ۱۹۶-۱۹۷؛ محمد عبد الحیّ الکتانی، التراتیب الاداریة والعمالات والصناعات والمتاجر والحالة العلمیة التي كانت علی عهد تأسيس المدنیة الإسلامیة فی المدینة المنورة العلمیة (بیروت: دار الأرقم، بی تا)، ۱/۲۴۷-۲۴۸؛ شمس الدین ابن قیم الجوزیه، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة (مكة المكرمة: دار عالم الفوائد، ۱۴۲۸)، ۱/۲۶۹-۲۷۰.

## ۱. تعریف زندانبان

زندانبان از نظر لغوی مرادف لفظ سجان زبان عربی بوده که به معنای: حارس، زندانبان و صاحب السجن است.<sup>۲</sup> فقهاء برای متولیان زندان و زندانبان اصطلاحات، صاحب الشرطه، والی السجن، صاحب السجن و صاحب الحرس<sup>۳</sup> و جلواز<sup>۴</sup> را بکار برده‌اند. صاحب الشرطه<sup>۵</sup> اصطلاح قدیمی است که در عصر پیامبر ﷺ کاربرد داشته است. قیس بن سعد بن عباده به لقب صاحب الشرطه یا- أميرالشرطه- رسول الله ﷺ شهرت داشت. مالک بن انس رضی الله عنه روایت کرده است: قیس بن سعد در پیشگاه پیامبر صلی الله علیه آل و سلم جایگاه صاحب شرطه (پولیس) را نزد امیر داشت.<sup>۶</sup> منصب شرطه را در دوران خلافت ابوبکر صدیق، عبدالله بن مسعود<sup>۷</sup> و در دوران عمر فاروق، خودش<sup>۸</sup> و گاه گاهی، عبدالرحمن بن عوف و مولایش زید بن اسلم او را در انجام این امر، همراهی می‌کردند.<sup>۹</sup> مسؤل شرطه در زمان خلیفه سوم، عبدالله بن قنفذ التمیمی (متوفی ۳۴هـ) بود<sup>۱۰</sup> و صاحب شرطه در زمان خلیفه چهارم، قیس بن سعد انصاری خزرجی بود.<sup>۱۱</sup> صاحب الشرطه به اعتبار اینکه مسئولیت تأمین امن و نظم عمومی را به عهده داشت، طبعاً حفاظت از زندان و تحت مراقبت داشتن زندانیان نیز از وظایف وی به حساب می‌آمد؛<sup>۱۲</sup> اما در ادبیات امروز برای زندانبان، اصطلاحات رئیس السجن، مدیر السجن و ضابط السجن به کار می‌رود.

## ۲. اوصاف زندانبان

زندانبانی از منظر اسلام وظایف مهم، خطیر و پر مسئولیت است افرادی که به این منصب گماشته می‌شوند باید دارای ویژگی‌ها و توانایی‌های به‌خصوص باشند، تا بتوانند از عهده این مأموریت مهم موفق بدر آیند. متصدیان امور زندان‌ها باید

<sup>۲</sup> لويس معلوف، المنجد في اللغة العربية المعاصرة (بيروت: دار المشرق، ۲۰۰۰)، ۶۵۰؛ فواد افرايم بوستاني، فرهنگ ابجدی (تهران: اسلامی، ۱۳۷۵)، ۴۶۷؛ عبد الله علي مهنا، لسان اللسان (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۳)، ۵۷۹.

<sup>۳</sup> محمد بن محمد الزبيدي، تاج العروس من جواهر القاموس (بي جا: دار الهداية، بی تا)، ۱۶۹/۳۵.

<sup>۴</sup> علي بن محمد ابن السمناني، روضة القضاة وطريق النجاة (بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۴)، ۱/۱۳۴.

<sup>۵</sup> احمد بن إسماعيل بن محمد تيمور، معجم تيمور الكبير في الألفاظ العامية (القاهرة: دار الكتب والوثائق القومية، ۱۴۲۲)، ۲/۲۶۵.

<sup>۶</sup> ابو عبدالله محمد بن اسماعيل البخاري، الجامع الصحيح (بي جا: دارالطوق النجاة، ۱۴۱۴/۱۹۹۳)، "ما قيل في لواء رسول الله ﷺ"، ۱۱۸ (رقم ۲۸۱۱)؛

عبد اللطيف عبد الشافي محمد، السيرة النبوية والتاريخ الإسلامي (القاهرة: دار السلام، ۱۴۲۸) ۱۴۶؛ أحمد بن علي المقرئ، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۰)، ۴/۱۰.

<sup>۷</sup> صلاح التجاني حمودي، "نشأة وتطور الشرطه في الدولة الإسلامية" المجلة العربية للدراسات الامنية، بي تا)، ۶۳.

<sup>۸</sup> نمر بن محمد الحمداني، ولاية الشرطه في الاسلام دراسة فقهية التطبيقية (الرياض: دارعالم الكتب للنشر والتوزيع، ۱۹۹۴)، ۱۰۰.

<sup>۹</sup> محمد بن جرير الطبري، تاريخ الطبري - تاريخ الرسل والملوك (بيروت: دار التراث، ۱۳۸۷)، ۴/۲۰۵.

<sup>۱۰</sup> الطبري، تاريخ الطبري - تاريخ الرسل والملوك، ۴/۳۹۸.

<sup>۱۱</sup> المقرئ، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، ۴/۱۰.

<sup>۱۲</sup> ابن السمناني، روضة القضاة وطريق النجاة، ۱/۱۲۶؛ الزبيدي، تاج العروس من جواهر القاموس، ۳۵/۱۶۹.

بدانند، انجام وظائف در زندان‌ها شامل خدمات دینی و اجتماعی بوده از اهمیت بزرگی برخوردار است؛ زیرا در این کار جلوگیری از انحرافات محبوسین، معالجه و تداوی امراض نفسانی و سلوکی آنان است. پولیس و زندانبان باید سلیم‌الحواس و الاعضاء باشد که در تحمل مشکلات او را یاری رساند، مرض و بیماری نداشته باشد که وی را از انجام‌وظیفه بازدارد. چون طبیعت وظیفوی وی مقتضی توانایی و قدرت جسمی و روانی است که در مواجهه با اشرار و مجرمین کامیاب بدر آید.<sup>۱۳</sup>

### ۳. مفهوم حقوق زندانبان

مقصد از حقوق زندانبان، آن عده امتیازاتی است که برایش به اعتبارات مختلف ثابت می‌شود. برخی از این حقوق به طبیعت انسان بودن و برخی به اساس کارگزار بودن برای انجام خدمات عامه، برخی هم حقوقی است که به اعتبار طبیعت اختصاصی مأموریتش و برخی هم به اعتبار اینکه وی اموری را به‌عنوان نایب و وکیل اولوالامر انجام می‌دهد برایش در نظر گرفته می‌شود.<sup>۱۴</sup> واضح است که هر منصب و مسئولیت، نیازمند این است که سلطه، صلاحیت و حقوق مناسب هم برای مسئولین آن داده شود. این به جهتی است که فرد مسؤل بتواند مسئولیت خود را به وجه احسن آن بسر برساند. زیرا به هراندازه‌ای که مسئولیت بزرگ باشد به همان اندازه صلاحیت و حقوق بیشتر را برای کامیابی و موفقیت تقاضا می‌کند.<sup>۱۵</sup>

### ۴. مهم‌ترین حقوق زندانبان

با در نظر داشت اصول شرعی و مسئولیت‌های زندانبان در تنظیم امور زندان‌ها، مهم‌ترین حقوق زندانبان قرار ذیل برشمرده شده است:

#### ۱.۴. حق اطاعت از ناحیه محبوسین در حد مشروع

از حقوق زندانبان اطاعت زندانیان برای وی در حد مشروع است. این امر به خاطری است که زندانبان در حالات عادی وظایفش را به اعتبار نایب اجرایی ولی‌الامر در امور زندان اجراء می‌کند. تعمیم احکام دینی، حفظ نظم عمومی، جلوگیری از تمرد، از اصول اسلامی، توصیه و سرزنش متمردان و ازاله منکرات علنی در زندان‌ها از مکلفیت‌هایی اصلی وی است.<sup>۱۶</sup> اطاعت زندانیان از زندانبان، به اعتبار این که نایب تنفیذی ولی‌الامر در امور زندان هست، واجب است، چنانکه الله متعال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ترجمه؛ ای مؤمنان از خدا، پیامبر و اولیای

<sup>۱۳</sup> الحمدانی، ولایة الشرطة فی الاسلام دراسة فقهية التطبيقية، ۱۸۴.

<sup>۱۴</sup> الحمدانی، ولایة الشرطة فی الاسلام دراسة فقهية التطبيقية، ۲۱۹؛ الجوزیه، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، ۹۲؛ علی بن محمد الماوردی، الأحکام السلطانیة (القاهرة: دار الحديث بی تا)، ۴۰؛ الحمدانی، ولایة الشرطة فی الاسلام دراسة فقهية التطبيقية، ۳۹۷.

<sup>۱۵</sup> الحمدانی، ولایة الشرطة فی الاسلام دراسة فقهية التطبيقية، ۴۵۳؛ الماوردی، الأحکام السلطانیة، ۴۱.

<sup>۱۶</sup> الحمدانی، ولایة الشرطة فی الاسلام دراسة فقهية التطبيقية، ۴۶۴-۴۶۹.

امورتان فرمان برید. <sup>۱۷</sup> نووی (متوفی ۶۷۶هـ) به نقل از قاضی عیاض (متوفی ۵۴۴هـ) گفته است: جمهور فقهاء و مفسرین به این باور اند که منظور از اولوالامر، در آیه کریمه امراء، اهل سلطه و حکم است. <sup>۱۸</sup> طبری (متوفی ۳۱۰هـ) گفته است: صواب این است که مراد از اولوالامر، امر (ء و والیان هستند. <sup>۱۹</sup> پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَ أَمِيرِي فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَى أَمِيرِي فَقَدْ عَصَانِي». <sup>۲۰</sup> آن که از من اطاعت کرد از خدا اطاعت کرده است. آن که از من نافرمانی کرد، از الله متعال نافرمانی کرده است. کسی که از امیر من فرمان برد از من فرمان برده است و آن که از امیر من نافرمانی کرد، از من نافرمانی کرده است. پس فرمان بردن و اطاعت از کسانی که از جانب پیامبر اکرم ﷺ، به مسئولیتی گماشته می شوند در واقع اطاعت از آنان اطاعت از پیامبر است و مخالفت با آنان مخالفت با پیامبر به حساب می آید. البته این اطاعت و دستور پذیری منوط به عدم دستور به معصیت است، هرگاه دستور به معصیت و خلاف شرع صادر گردد، سمع و طاعت واجب نیست. <sup>۲۱</sup> عموم این آیات و احادیث (اطاعت زندانیان از زندانبان را نیز شامل می شود. با توجه به تناسب حکم و موضوع، ولی الامر کسی است که حق امر کردن و فرمان دادن را شرعاً دارا باشد. پس فردی حق و صلاحیت دستور دادن را دارد، مسلماً اطاعت از وی در همین محدوده واجب به حساب می آید.

#### ۲۰۴. حق نصیحت و خیرخواهی

نصیحت و خیرخواهی اصل شرعی است، قوام کارها عمومی به آن بستگی دارد، اصلاحگران اصلی برای امور زندگی پیامبران الهی بودند که نصیحت و خیرخواهی برای افراد جامعه از اهداف رسالت آنان بوده است. اصل نصیحت برای سامان دهی امور مهم اجتماعی ضرورت به حساب می آید.

به اساس فرموده خطابی در معالم السنن از حقوق مهم زندانبان بر زندانیان و دیگر افراد جامعه، حق نصیحت و خیرخواهی برایشان است. تمیم داری (رضی الله عنه)، از پیامبر ﷺ روایت کرده است: <sup>۲۲</sup> «الَّذِينَ النَّصِيحَةُ قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَكَرْسُوْلِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ». <sup>۲۳</sup> دین نصیحت است، گفتیم برای چه کسی؟ فرمود برای خدا، کتاب او، پیامبرش و پیشوایان مسلمانان و تمامی مسلمانان. هدف از نصیحت برای پیشوایان مسلمانان این است که درحق، از آنان اطاعت شود، در صورت ارتکاب ظلم، خروج با شمشیر علیه آنان صورت نگیرد و نصیحت نسبت به عامه مسلمانان رهنمایی آنان

<sup>۱۷</sup> النساء/۴. ۵۹. در این مقاله در معانی آیات از ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی اسفاده شده است.

<sup>۱۸</sup> الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية (الكويت: ۱۴۰۴-۱۴۲۷)، ۲۸/۳۲۳.

<sup>۱۹</sup> محمد بن جریر الطبري، جامع البيان في تأويل القرآن (بی جا: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰)، ۸/۴۹۲.

<sup>۲۰</sup> البخاري، "الاحكام"، ۹ (رقم ۷۱۳۷)

<sup>۲۱</sup> فضل بن عبد الله مراد، المقدمة في فقه العصر (صنعاء: الجيل الجديد ناشرون، ۱۴۳۷)، ۱/۳۳۶.

<sup>۲۲</sup> مسلم بن الحجاج النيسابوري، صحيح مسلم (بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا)، ۱/۷۴؛ جمال الدين أبو الفرج الجوزي، كشف المشكل من حديث الصحیحين (الرياض: دار الوطن، بی تا)، ۴/۲۱۹.

به مصالح شان است<sup>۲۳</sup>. معاونت و یاری رسانیدن او در حق و درستی، همچنان دعای خیر برای صلاح و توفیق وی است. مراد از ائمه مسلمین، خلفاء و دیگر کسانی است که امور مسلمانان را سامان داده و رهبری می کنند.<sup>۲۴</sup> مقصود از نصیحت برای ائمه و اولیای امور همکاری آنان بر حق و درستی،<sup>۲۵</sup> فرمان بردن از آنان در امر روا، تذکر آنان به نرمی و متوجه ساختن آنان به آنچه از حقوق مسلمانان را که فراموش کردند و دعا کردن برای اصلاح آنان از مهم ترین نصیحت به حساب می آید.<sup>۲۶</sup> این حق برای زندانبانان به دو صورت متحقق می شود: یکی این که مسئولین بلند پایه همیشه وی را تحت مراقبت داشته، به مسئولیت های سپرده شده متوجه اش بسازند. این همان چیزی است که در صدر اسلام پیامبر ﷺ و خلفای راشدین رضی الله عنهم بعد از وی به آن پابند بوده و به آن عمل می کردند. صورت دوم نصیحت و خیراندیشی عامه مردم، نسبت به مسئولین زندان ها است که همیشه آنان را به وظیفه خطیری که بدوش دارند، متوجه بسازند و آنان را به تعامل نیک با زندانیان و افراد مسلوب الحریه توصیه نمایند.<sup>۲۷</sup> این امر شامل حال زندانیان نیز می شود که همیشه در حد توان به مسئولین زندان ها توصیه و خیرخواهی داشته باشند و برای اصلاح آنان دعاء کنند، چون صلاح آنان در بهبود تعامل شان با زندانیان اثرگذار است.

### ۳.۴. حق نظارت از احوال زندانیان

نظارت از احوال زندانیان از یک جهت از مهم ترین وظایف زندانبانان بوده، چون تأمین حقوق اساسی زندانیان بدون نظارت از وضعیت آنان ممکن نیست؛ اما از جهت دیگر این موضوع از حقوق زندانبانان نیز به حساب می آید.

یکی از حقوق زندانبانان را حق نظارت و مراقبت از احوال زندانیان دانسته اند.<sup>۲۸</sup> نظارت و مراقبت به معنای پیگیری حقوق اساسی زندانیان است که شریعت اسلامی برای آنان تضمین کرده است. زندانیان در این امر، باید به اززندانان اطاعت داشته باشند، حق مخالفت با آن را ندارند. همچنان زندانیان حق مخالفت برنامه های اصلاحی را که پیامد آنها تقسیم سلوک و اصلاح عملکرد آنان است ندارند.<sup>۲۹</sup> این نظارت شامل، مراقبت از تأمین حقوق اساسی و کرامت انسانی زندانیان است.<sup>۳۰</sup> نظارت زندانبانان از زندانیان، به تعبیر دیگر ارزیابی مقررات، تأدیبی و اصلاحی است که برای برقراری نظم زندان،

<sup>۲۳</sup> حمد بن محمد الخطابی، معالم السنن، وهو شرح سنن أبي داود (حلب: المطبعة العلمية، ۱۳۵۱)، ۱۲۶/۴.

<sup>۲۴</sup> محیی الدین النووی، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج (بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۹۲)، ۳۷/۲. بدر الدین محمود العینی، عمدة القاری شرح صحیح البخاری (بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا)، ۳۲۲/۱.

<sup>۲۵</sup> یوسف بن عبد الله بن محمد النمري، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد (المغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ۱۳۸۷)، ۲۱/۲۸۶.

<sup>۲۶</sup> تقی الدین ابن دقیق العید، شرح الأربعین النوویة فی الأحادیث الصحیحة النبویة (بی جا: مؤسسة الريان، ۱۴۲۴)، ۵۱-۵۲.

<sup>۲۷</sup> عبدالعزیز بن ابراهیم العمری، الولاية علی البلدان فی عصر خلفاء الراشدين (ریاض: دار اشبیلیا للنشر والتوزيع، ۲۰۰۱)، ۳۸۸.

<sup>۲۸</sup> ابن السمنانی، روضة القضاة وطريق النجاة، ۱/۱۳۲.

<sup>۲۹</sup> موقع وزارة الأوقاف السعودية، النظام القضائي، ۲۴، بتقييم الشاملة آليا.

<sup>۳۰</sup> الحمدانی، ولاية الشرطة فی الاسلام دراسة قهفية التطبيقية، ۴۶۴-۴۶۹.

تقسیم سلوک و تربیت دوباره زندانیان و بازیابی اهلیت آنان برای ادغام مجدد شان به جامعه مرعی الاجزاء قرار می گیرد که در نتیجه آن، از وضعیت زندانیان به قاضی، اطلاع می دهند و قاضی در رابطه به سرنوشت زندانیان تصمیم می گیرد.<sup>۳۱</sup> چون یکی از وظایف مهم زندانبان ارائه گزارش برای قاضی در رابطه به وضعیت زندانیان و تغییر سلوک، رفتار و اصلاح پذیری آنان است. از مکلفیت‌هایی صاحب السجن یا سجان، این است که روزانه (از) احوال و وضعیت زندانیان و آنچه در زندان اتفاق می افتد به قاضی گزارش دهد تا ظلم برطرف گردد، آنانی که مستحق بودن در زندان نیستند و همچنان کسانی که مدت حبسشان به سر رسیده است، رها گردند.<sup>۳۲</sup> تثبیت و تأمین این حق برای زندانبان در حقیقت تضمینی برای تحقق حقوق زندانبان و رعایت حقوق انسانی آنان است.

#### ۴.۴. حق تشویق و تأدیب

تأدیب به معنای منع کردن و بازداشتن است که فرد مؤدب را از ارتکاب مالا ینبغی بازمی دارد، تأدیب با اختلاف انسان‌ها و معصیت‌ها، زمان و مکان متفاوت می شود. تشویق و تأدیب زندانبان، از حقوق زندانبان در راستای انجام وظایف نسبت به زندان است، به این معنی که زندانبانی که در ایام محبوس بودن به وجه احسن مقررات تأدیبی و اصلاحی زندان را رعایت نمایند، تغییر سلوک به سوی بهبودی از خود نشان دهند، باید از طرف اداره زندان مورد تشویق قرار گیرند و گزارش بهبود وضعیت آن به قاضی ارائه گردد؛ اما کسانی که از اصول تربیتی و اصلاحی زندان ترمرد می نمایند، طبق مقررات زندان در حد مشروع مورد تأدیب قرار گیرند. جنبه اجرایی این تشویق و تأدیب از مکلفیت‌ها و حقوق زندانبان است. برای حفظ آرامش و امنیت در زندان‌ها و عادت دادن زندانبان به رعایت قوانین و مقررات، بایستی زندانبان با انضباط، فعال و خوش رفتار تشویق و متخلفین تنبیه شوند تا زندانی با رغبت خود اجرای برنامه‌های زندان را پذیرفته و لزوم رعایت قوانین و مقررات را درک نماید.<sup>۳۳</sup>

این قدامه مقدسی گفته است: یکی از حقوق زندانبان حق تأدیب زندانبان است. تأدیب زندانبان وقت ضرورت و هنگام حکم محکمه قابل تعمیم است. این امر را زندانبان به اجراء می گذارد. ولایت تأدیب، برای امام مسلمین و جانشینان وی، مانند قضات، والیان بر اساس ولایت عامه ثابت است. آنان حق و صلاحیت تأدیب افراد را که مرتکب محظورات شرعی در زندان می شوند دارند.<sup>۳۴</sup> احیاناً تأدیب زندانی به منظور اصلاح وی و جیره آنچه که فاسد کرده، حتمی به حساب می آید.

<sup>۳۱</sup> ابن السمنانی، روضة القضاة وطریق النجاة، ۱/۱۳۲.

<sup>۳۲</sup> النظام القضائي، ۲۴ بترقیم الشاملة آلیا.

<sup>۳۳</sup> تاج زمان دانش، حقوق زندانبان وعلم زندانبانها (موسسه انتشارات وچاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)، ۳۰۱.

<sup>۳۴</sup> موفق الدین المقدسی، المغنی (بی جا: مکتبة القاهرة، ۱۳۸۸)، ۴/۱۹۴؛ محمد بن أحمد الدسوقي، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير (بی جا: دار الفکر، بی تا)، ۶/۳۱۹؛ الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية (الكويت: ۱۴۰۴-۱۴۲۷)، ۱۰/۲۱.

صلاحیت اجرای این تأدیب را حاکم و مقامات صالحه قضایی دارند.<sup>۳۵</sup> به همین جهت قاضی ابویوسف به خلیفه عباسی نوشت که به والیانش دستور دهد تا اسراف در تأدیب زندانیان را روا ندارند.<sup>۳۶</sup>

#### ۵.۴. حق استجواب

یکی از حقوق زندانبانان حق استجواب از زندانیان و افراد تحت توقیف است، حق استجواب این است که زندانبانان از زندانیان، در رابطه به عملکردهایشان که موجب زندانی شدن آنان شده است، پرسان می‌کند و یا هم از کارهای خلاف مقررات زندان و برنامه‌های اصلاحی که قرار است، در زندان عملی گردد، زندانیان از آنها سرکشی کرده و مانع آنها شده‌اند، استفسار می‌نماید. چون این کار او را در راستای موفقیتش در انجام دادن وظایف و کشف جرم کمک و همکاری می‌کند.

الحمدانی گفته‌است: زندانبانان باید در انجام وظایفشان دارای ولایت تفویض عام و یا خاص باشند که بتوانند در مورد کشف جرم با دست‌باز عمل نمایند. چون بیشترین مجرمین حرفه‌ای هستند، توانایی وارونه نشان دادن قضیه و استغفال مستنطق را دارند. مهم نیست که مستنطق به هر وجه ممکن از متهم اعتراف به جرم را به دست بیاورد؛ اهمیت در این است که با توانایی مسلکی با رعایت ضوابط شرعی و رعایت حق متهم، بدون ضرب و شتم بتواند سرنخی از ارتکاب جرم و حقیقت را به دست آورد.<sup>۳۷</sup> هدف استجواب به دست آوردن اعتراف متهم نیست، بلکه مقصود از آن دستیابی مستنطق به حقیقت موضوع جرمی است. ممکن است این حقیقت به اعتراف متهم بر ملا شود و یا هم به طریقه دیگر. اصل تفویض صلاحیت و استجواب برای زندانبانان از روایات متعدد و عملکرد پیامبر ﷺ و خلفای راشدین رضی الله عنهم بعد از وی، در تعاملات شان به اثبات رسیده است. در داستان نامه حاطب بن ابی بلتعنه وارد شده است: پیامبر ﷺ، به حضرات علی، زبیر و مقداد رضی الله عنهم دستور داد: "انْطَلِقُوا حَتَّى تَأْتُوا رَوْضَةَ خَاخٍ، فَإِنَّ بِهَا طَعِينَةً، وَمَعَهَا كِتَابٌ فَخُدُوهُ مِنْهَا"، فَأَنْطَلَقْنَا تَعَادَى بِنَا حَيْلُنَا حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى الرَّوْضَةِ، فَإِذَا نَحْنُ بِالطَّعِينَةِ، فَقُلْنَا أُخْرِجِي الْكِتَابَ، فَقَالَتْ: مَا مَعِي مِنْ كِتَابٍ، فَقُلْنَا: لَتُخْرِجَنَّ الْكِتَابَ أَوْ لَنُلْقِينَ الثِّيَابَ، فَأَخْرَجَتْهُ مِنْ عِقَاصِهَا".<sup>۳۸</sup> بروید زنی را در کاروان تفتیش کنید و نامه ای را که نزد او است بیاورند. هنگامی که حضرت علی رضی الله عنه و یارانش آنجا رسیدند وسایل آن زن را تفتیش کردند، نامه را نزدش نیافتند و آن زن هم از وجود نامه انکار کرد. حضرت علی رضی الله عنه گفت: نامه نزد تو است، الله متعال و پیامبرش دروغ نمی‌گویند، یا نامه را می‌دهی و یا اینکه از لباس برهنه‌ات می‌کنم. آن زن نامه را از میان موهای سرش بیرون آورد. این روایت دلالت به تفویض کامل صلاحیت استجواب دارد، حضرت علی رضی الله عنه بعد از

<sup>۳۵</sup> الدسوقي، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، ۴/۳۵۵.

<sup>۳۶</sup> يعقوب بن ابراهيم أبو يوسف، الخراج (بي جا: المكتبة الأزهرية للتراث، بی تا)، ۱۶۵.

<sup>۳۷</sup> الحمدانی، ولاية الشرطة في الاسلام دراسة فقهية التطبيقية، ۴۵۹.

<sup>۳۸</sup> البخاري، "يُقَاتَلُ مِنْ وَرَاءِ الْإِمَامِ وَيَتَّقَى بِهِ" ۱۰۸ (رقم ۲۷۹۷).

استجواب عادی اقدام به استجواب جدی نمود و آن زن را تهدید به برهنه ساختن از لباسش کرد تا حاضر شد نامه ای را که نزدش بود به ایشان تسلیم کند. هنگامی که نامه را نزد پیامبر ﷺ آوردند، آن نامه از طرف حاطب بن ابی بلتعنه برای بزرگان قریش نوشته شده و از برخی امور مخفی که قرار بود پیامبر برای فتح مکه انجام دهد، به آنان خبر داده بود. حاطب را احضار کردند، پیامبر استجواب را از وی چنین آغاز کرد: «مَا هَذَا يَا حَاطِبُ؟» حاطب این چیست؟ آیا این نامه را تو نوشتی؟<sup>۳۹</sup> بعد برای حاطب وقت داده شد تا دلیل نوشتن نامه را بازگو کند. حاطب گفت: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَا تَعْجَلْ عَلَيَّ» ای رسول خدا به مؤاخذه من عجله مکن. عذر من را بشنو.<sup>۴۰</sup> من میان قریش زندگی می کردم و با ایشان رشته قرابت نداشتم بقیه مهاجرینی که در کنار تو هستند، رشته دارانشان آنجا هستند که اهل و خانواده شان را از ضرر قریش محافظت می کنند، من گفتم اگر من قرابت با آنان ندارم که خانواده ام را حفظ کنند با نوشتن این نامه توجه آنان را به خود جلب کنم تا به زن و فرزندم زیان نرسانند.<sup>۴۱</sup> این کار را از روی تشکیک در دین، کفر و ارتداد انجام نداده ام، می دانم بلایی را که قرار است الله متعال بر سرشان بیاورد نامه من به آنان سودی نخواهد رساند.<sup>۴۲</sup> پیامبر ﷺ فرمود: حاطب به شما راست گفت.<sup>۴۳</sup> این روایت موضوعات عمده را پیرامون تحقیق و استجواب بیان داشته است، مهم تر از همه این که پیامبر ﷺ، نظر به اهمیت آن این کار را خودش انجام داده است. برای مستنطق لازم است که استجوابش را از تهمت، با سؤال عام آغاز کند. «مَا هَذَا يَا حَاطِبُ؟» برای متهم حق دفاع از اتهام وارده علیه خودش را بدهد، «يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَا تَعْجَلْ عَلَيَّ» اگر صدق و معقولیت متهم، در دفاع از اتهام برایش ثابت شد، به تبصره و دیدگاه های حاضرین توجه نکند. استجواب زندانبانان از زندانبانان در اموری صورت می گیرد که در زندان واقع شود و یا اینکه از طرف قاضی، یا محکمه برایش وظیفه سپرده شود.

#### ۶.۴. حق استعمال قوه قهریه

استعمال قوه قهریه هنگام ضرورت یکی از حقوق زندانبانان است. استعمال قوه قهریه، برای تأمین نظم و انضباط زندان هنگامی مشروع پنداشته می شود که هیچ وسیله دیگر کاربرد مؤثر نداشته باشد. زندانبانان این وسیله را به گونه تدریجی از حداقل به حداکثر و به قدر ضرورت استفاده می کند، هر قدر کمتر باشد بهتر خواهد بود.

<sup>۳۹</sup> شهاب الدین ابن رسلان، شرح سنن أبي داود (جمهورية مصر العربية: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث، الفيوم، الطبعة الأولى، ۱۴۳۷)، ۱۱/۴۲۸؛

خليل أحمد السهارنفوري، بئال المجهود في حل سنن أبي داود (الهند: مركز الشيخ أبي الحسن الندوي للبحوث والدراسات الإسلامية، ۱۴۲۷)، ۹/۲۵۵.

<sup>۴۰</sup> السهارنفوري، بئال المجهود في حل سنن أبي داود، ۹/۲۵۵.

<sup>۴۱</sup> محيي الدين النووي، المجموع شرح المذهب مع تكملة السبكي والمطيعي (بي جا: دار الفكر، بی تا)، ۱۹/۳۴۱.

<sup>۴۲</sup> السهارنفوري، بئال المجهود في حل سنن أبي داود، ۹/۲۵۵.

<sup>۴۳</sup> جلال الدين، التوشیح شرح الجامع الصحيح (الرياض: مكتبة الرشد، ۱۴۱۹)، ۷/۳۰۷۳.

زندانبان وظایف و مسئولیت‌های مهم و حیاتی برای حفظ نظام زندان و تأمین امنیت آن را به عهده‌دارد، اداره امور زندان‌ها از پرمسئولیت‌ترین و خطرناک‌ترین وظایف برای امنیت جامعه به حساب می‌آید، چون افرادی که در زندان به حکم شریعت و قانون محکوم به سلب آزادی شده‌اند، یا افرادی هستند که امنیت جان، مال و ثروت، افراد جامعه را به خطر انداخته و یا این که خودشان به نحوی درخطر قرار دارند که به اساس لزوم دید مسئولین مطابق حکم قانون و شریعت در زندان قرارگرفته‌اند. افرادی که موجب خطر برای دیگران شده‌اند همیشه در تلاش بیرون شدن از زندان ولو به وسیله فرار و هر حيله و بهانه هستند، بیرون آمدن آنان قبل از تکمیل میعاد مقرر حبس خطری برای جان، مال و ثروت افراد جامعه به حساب می‌آید؛ اما افرادی که برای حفظ جان‌شان تحت تأمین قرارگرفته‌اند، هر آن جان آنان را خطر تهدید می‌کند و دشمنان‌شان در کمین‌اند. به همین علت محافظت از ایشان وظیفه خطیر زندانبانان است.<sup>۴۴</sup> ایشان مکلف هستند حین مواجهه به خطر و تأمین امنیت زندان از استعمال قوه فیزیکی سود ببرند، آن‌هم برای حفظ جان خودشان و همچنان محافظت جان، مال و ثروت افراد تحت حمایت‌شان. در غیر این صورت مصیبت بزرگی دامن‌گیر جامعه و زندانبان خواهد بود.<sup>۴۵</sup> استعمال قوه قهریه برای اصلاح و تربیت کسانی است که ظلم و عناد را پیشه کنند، به حق برنگردند و هیچ وسیله‌ای از قبیل وعظ و نصیحت، ترغیب و ترهیب، رعایت حکمت در برخورد، برای بازداشتن آنان از ظلم و عناد مؤثر واقع نشود. استفاده از قوه قهریه در این مرحله، به معنای عمل جراحی برای قلع و قمع مرض از وجود شخص بیمار و رعایت مراحل امر به معروف و نهی از منکر برای تغییر به دست، است که با رعایت ضوابط و احکام شرعی بکار گرفته می‌شود.<sup>۴۶</sup> استعمال قوه قهریه با در نظر داشت حالات، متوقع بوده که کیفیت و نوع آن به احوال تأدیب شونده، برمی‌گردد به گونه‌ای که به مفساد بیش ازآنچه است منجر نگردد.<sup>۴۷</sup>

#### ۰۷۰۴. حق دفاع (دفاع مشروع)

یکی از حقوق زندانبانان حق دفاع حین تجاوز است. این حق برای زندانبانان به چند صورت قابل‌تصور است، اول این که زندانی و یا زندانیان، زندانبانان را مورد حمله قرار دهند، حمله‌ای که اگر زندانبانان از خودش دفاع نکند، جان‌ش درخطر باشد. صورت دوم قسمی است که برخی از زندانیان بر برخی دیگری هجوم برند به گونه‌ای که اگر دفاع مشروع از غیر صورت نگیرد شاید یک تعداد زندانیان به قتل برسند، در این صورت زندانبانان به حکم وظیفه‌ای که دارد- تأمین امنیت زندان- حکم شرعی مکلفیت دفاع از غیر را مرعی بدارد، این حق برایش ثابت می‌شود و مکلف است که به دفاع بپردازد.

<sup>۴۴</sup> الحمدانی، ولایة الشرطة فی الاسلام دراسة فقهية التطبيقية، ۱۸۳.

<sup>۴۵</sup> الحمدانی، ولایة الشرطة فی الاسلام دراسة فقهية التطبيقية، ۱۸۵.

<sup>۴۶</sup> سعید بن علی بن وهف القحطانی، الهدي النبوي في تربية الأولاد في ضوء الكتاب والسنة (الرياض: مطبعة سفیر، بی‌تا)، ۲۶۲.

<sup>۴۷</sup> القحطانی، الهدي النبوي في تربية الأولاد في ضوء الكتاب والسنة، ۲۶۳.

دفاع از تجاوز برای نجات نفس، اهل و خانواده و مال جایز است. مهم نیست که متجاوز شخص مکلف، مجنون و یا هم حیوان باشد. عز بن عبدالسلام (متوفی ۶۶۰هـ) گفته است: دفاع از انسان‌های معصوم، چه مسلمان و یا اهل‌الذمه باشد، جواز دارد.<sup>۴۸</sup> دلیل مشروعیت آن، فرموده الله متعال است: ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾.<sup>۴۹</sup> پس هر که بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید. همچنانی که دفاع انسان از نفس، اهل و مال خودش واجب است، دفاع از دیگران نیز هنگام ضرورت واجب به حساب می‌آید.<sup>۵۰</sup> برای دفاع از تجاوز و یا به اصطلاح فقهاء دفع صایل و این که بر دفع کننده ضمان واجب نشود فقهاء شروط ذیل را برشمرده‌اند: این که حمله کننده متجاوز، عملاً دست به حمله بزند، یا در حال تجاوز و حمله باشد. مسلح با وسیله همچو سلاح و یا شمشیر برهنه باشد.<sup>۵۱</sup> در صورت عدم دفاع خوف هلاکت موصول علیه وجود داشته باشد. برای موصول علیه امکان پناه بردن به سلطه‌های اجرایی که از وی دفاع کنند وجود نداشته نباشد.<sup>۵۲</sup> به حمله کننده یا صایل، هشدار داده باشد. به باور خرشی<sup>۵۳</sup> و دردیر،<sup>۵۴</sup> انذار مستحب است؛ اما غزالی گفته است: تقدیم انذار در هر دفاعی که منجر به قتل صایل گردد واجب است.<sup>۵۵</sup> همچنان شرط است که دفع متجاوز بر سبیل تدریجی عملی گردد، قسمی که قاعده‌های الاسهل فالاسهل و الضررالاشد یزال بضرر الاخف، رعایت گردیده باشد.<sup>۵۶</sup> برای مسلمان جواز دارد که از غیرش دفاع نماید، اگر چنان، نفوس و اموال مردم به هدر خواهد رفت.<sup>۵۷</sup> عمومیت مشروعیت جواز دفاع از نفس شامل حال زندانبان برای نجات خودش و یا هم افراد دیگر را در برمی‌گیرد.

#### ۸۰۴. حق عدم تعقیب قضایی

یکی از حقوق زندانبان عدم تعقیب عدلی و قضایی او در صورت متضرر شدن محبوس در هنگام تطبیق مقررات (مجازات) شرعی و قانونی است. به این معنی که هرگاه هنگام تطبیق مقررات شرعی و قانونی از طرف مأمورین مکلف به تنفیذ احکام شرعی و یا قانونی، محکوم علیه بیشتر از حد مجاز، متضرر گردد، مجری حکم و منفذ فرمان تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد. در رابطه به این موضوع برخی گفته‌اند: از فقهاء اند: اگر زندانی به اثر تأدیب مشروع متضرر گردد، یعنی حاکم باعث

<sup>۴۸</sup> إبراهيم بن علي بن محمد ابن فرحون، تبصرة الحكام في اصول الأفضية ومناهج الأحكام (بی تا: مکتبه الکلیات الأزهریه، ۱۴۰۶)، ۳۴۷/۲.

<sup>۴۹</sup> البقرة، ۱۹۴/۲

<sup>۵۰</sup> عبد القادر عودة، التشريع الجنائي الإسلامي مقارناً بالقانون الوضعي (بیروت: دار الكتاب العربي، بی تا)، ۴۷۳/۱.

<sup>۵۱</sup> ابن عابدين، رد المحتار على الدر المختار، ۳۵۱/۵.

<sup>۵۲</sup> الموسوعة الفقهية الكويتية، (۲۸/۲۹۴)

<sup>۵۳</sup> محمد بن عبد الله الخرشي، شرح مختصر خليل للخرشي (بیروت: دار الفكر للطباعة، بی تا)، ۱۱۲/۸.

<sup>۵۴</sup> الدسوقي، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، ۳۵۷/۴.

<sup>۵۵</sup> محمد مصطفى الزحيلي، الوجيز في أصول الفقه الإسلامي (دمشق: دار الخير للطباعة و النشر والتوزيع، ۱۴۲۷)، ۱۸۵/۲.

<sup>۵۶</sup> الموسوعة الفقهية الكويتية، ۲۸/۲۹۴.

<sup>۵۷</sup> محمد بن إبراهيم بن عبد الله التويجري، موسوعة الفقه الإسلامي (بی جا: بيت الأفكار الدولية. الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰)، ۳/۶۳۶.

تلف فرد معاقب و یا بعضی از وجودش، به سبب اجرای عقوبت مشروع که از حد و ضابطه شرعی نگذشته باشد شود، ضمان و یا قصاصی بروی واجب نیست؛ زیرا این کارش شرعاً مشروع است و گاهی این کارش برای تحقق مصلحت، تأدیب واجب به حساب می‌آید.<sup>۵۸</sup> از سعید بن المسیب رحمه الله در رابطه با تأدیب رعیت از سوی سلطان پرسیده شد، وی گفت: قصاصی در کار نیست اگر این ضرب و تأدیب کم باشد و یا زیاد؛ مگر این که در اجرای تأدیب از حد بگذرد.<sup>۵۹</sup> اگر زندانبان در امر تنفیذ حکم شرعی از محدوده شرعی نگذرد تعقیب در کار نیست. چنانچه در کتاب جراح المبسوط آمده است: اگر قاضی شخص را دستگیر و زندانی کند، او در زندان بمیرد. اگر خوراک و پوشاک او تأمین بود، زندانی کننده ضامن مرگ او نیست؛ چه کوچک و یا بزرگ سال باشد. اگر خوراک و پوشاک او را قطع کند و اتاق را بر او چنان ببندد که هوا داخل نگردد، اگر او در مدتی بمیرد که عرفاً گفته شود، چنین کسی اگر در این حال بماند می‌میرد، زندانی کننده قصاص می‌شود و اگر در مدتی کمتر از مدت معمول بمیرد، بر زندانی کننده دیه لازم می‌شود.<sup>۶۰</sup>

#### ۹.۴. حق حمایت هنگام مأموریت

یکی از حقوق زندانبان، حق حمایت از وی هنگام انجام دادن وظیفه و مأموریت است، چون وظایفی را که بسر می‌رساند، در حقیقت تطبیق احکام شرعی و یا دساتیری است که از جانب محاکم و یا مسؤولین ذیصلاح به تنفیذ آن مأمور می‌باشد. حمایت از وی در حقیقت پشتیبانی از تطبیق احکام شرعی و قانونی است که برای تطبیق مجازات، اصلاح سلوک و تقییم رفتار زندانیان در نظر گرفته شده است. البته حمایت از عمل کرد زندانبان هنگامی مشروعیت دارد و قابل پشتیبانی است که در محدوده مقررات شرعی قرار داشته باشد. این حمایت به معنای دیگر نظارت از رفتارهای زندانبان در تعاملات آن با زندانیان است. عدم حمایت از عملکرد زندانبان از یک طرف باعث سستی او در تنفیذ مقررات شرعی و قانونی می‌گردد و از طرف دیگر افراد سودجو را جرئت می‌دهد که در مقابل زندانبان متمرد شوند، با تهدید و تطمیع از تطبیق مقررات گردن کشی کنند و دست به آشوب بزنند. پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَ أَمِيرِي فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَى أَمِيرِي فَقَدْ عَصَانِي».<sup>۶۱</sup> آن که از من اطاعت کرد از خدا اطاعت کرده است. آن که از من نافرمانی کرد، از الله متعال نافرمانی کرده است. کسی که از امیر من فرمان برد از من فرمان برده است و آن که از امیر من نافرمانی کرد، از من نافرمانی کرده است.

<sup>۵۸</sup> الدسوقي، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، ۴/۳۵۵؛ زكريا بن محمد الانصاري، أسنى المطالب في شرح روض الطالب (بي جاز دار الكتاب الإسلامي، بی تا) ۴/۱۳۶.

<sup>۵۹</sup> عبد الزاق الصنعاني، المصنف (بيروت: المكتب الإسلامي، ۱۴۰۳)، ۱۰/۱۰۵.

<sup>۶۰</sup> محمد بن حسن طوسي، المبسوط في فقه الإمامية (تهران: مكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷)، ۷/۱۸۰.

<sup>۶۱</sup> البخاري، "غزوة الفتح"، ۴۴ (رقم ۴۰۲۵).

قرار دادن حکم اطاعت از امیر مساوی با امر پیامبر ﷺ، در حقیقت پشتیبانی و حمایت کارگزار است. مبنای این اصل، واقعه حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه در صلح حدیبیه است، هنگامی که پیامبر ﷺ، در حدیبیه بود عثمان رضی الله عنه را به عنوان نماینده به مکه فرستاد تا به مردم قریش خبر دهد که پیامبر ﷺ و همراهانش قصد جنگ ندارند، صرف برای ادای عمره می خواهند وارد مکه شوند. با رفتن عثمان رضی الله عنه به مکه آوازه قتل او به گوش مسلمانان رسید، پیامبر برای انتقام خون عثمان از مسلمانان بیعت گرفت. تعداد اصحاب پیامبر در این واقعه به ۱۴۰۰ الی ۱۵۰۰ نفر می رسید<sup>۶۲</sup> که بنام های بیعة الرضوان، بیعة الصبر، بیعة علی الموت، بیعت بر جنگ وعدم فرار یاد شده است.<sup>۶۳</sup> بیعت گرفتن از جمع عظیمی از مسلمانان بر صبر، جنگ و یا مرگ وعدم فرار از جنگ، حمایت از مأموریتی است که کارگزار برای انجام دادن آن فرستاده شده است. در قرآن کریم از آن به بیعة الرضوان<sup>۶۴</sup> تعبیر شده است. عوف بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: وی و فردی از قبیله حمیر یکتن از افراد دشمن را به قتل رسانیدند، خواستند که سلب (اسباب و وسایل جنگی) اش را تصاحب نمایند. خالد بن ولید رضی الله عنه که والی و سرلشکر بود، آنان را از این کار ممانعت کرد. عفو بن مالک رضی الله عنه نزد رسول الله ﷺ از خالد رضی الله عنه شکایت کرد. پیامبر ﷺ، از خالد رضی الله عنه پرسید چرا چنین کاری را انجام داده است. خالد گفت: آن را زیاد شمردم (این سلب چیزی زیادی بود، خواستم به غنیمت تعلق گیرد) پیامبر ﷺ فرمود: آن را برای وی بسپار. هنگامی که خالد رضی الله عنه از کنار عوف می گذشت، عوف چادرش را کش کرده گفت: دیدی چطور چیزی را که می خواستم نزد پیامبر ﷺ از تو گرفتم. این ماجرا را پیامبر صلی الله علیه و سلم شنید و به خشم آمد، دوباره خطاب به خالد رضی الله عنه فرمود: آن سلب را به وی ندهد. سپس پیامبر ﷺ فرمود: آیا شما امیرانم را برایم نمی گذارید؟ مثال شما و آنان به منزله فردی است که گله شتران و گوسفندان را بچرانند بعد وقت آب نوشیدن آنان فرارسد آنان را به حوضی وارد کند، بهترین آب را بنوشند و پسمانده گل آلودش را برای شبان بگذارند. بهترین ها برای شما و پسمانده، آلوده و ناکارآمد برای آنان؟<sup>۶۵</sup> این واقعه در غزوه موته رخ داده است. این روایت دلیل قاطع دفاع و حمایت ولی الامر از کارکنان اجرایی را بیان می دارد.<sup>۶۶</sup> عمومیت این روایات شامل حال زندانبان نیز می شود.

#### ۱۰۰۴. حق تأمین معیشت

تأمین معیشت هنگام انجام دادن وظیفه از جمله حقوق زندانبان به حساب می آید. رسیدگی به این حق به جهتی ضروری است که از یک طرف زندانبان از تأمین نفقه خودش و عایله اش مطمئن می شود، دلهره برای عدم رسیدن مایحتاج زندگی اش

<sup>۶۲</sup> عبد الله بن مسلم الدینوری، تأویل مختلف الحدیث (بی جا: المکتب الاسلامی - مؤسسة الإشراف، ۱۴۱۹)، ۳۴۲.

<sup>۶۳</sup> علی بن خلف ابن بطلال، شرح صحیح البخاری لابن بطلال (الریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۲۳)، ۱۲۹/۵.

<sup>۶۴</sup> الفتح، ۱۸/۴۸.

<sup>۶۵</sup> النیشابوری، صحیح مسلم، ۱۳۷۳/۳.

<sup>۶۶</sup> مزار رجاستی صبره، حقوق المتهم فی الفقه الاسلامی (بی جا جامعه النجاج الوطنی، ۲۰۰۶)، ۱۷۴.

نمی‌داشته باشد و از طرفی دیگر به علت فقر و تنگ‌دستی از دلچسپی‌اش به انجام دادن مأموریت، کاسته نمی‌شود، طمع و دستبرد به امکانات بیت‌المال و سوءاستفاده از اموال و آنچه را در دست رعیت است به حداقل می‌رساند. این اصلی است که در صدر اسلام و دوران خلفای راشدین رضی الله عنهم به آن عنایت صورت گرفته است و الگوی خوبی برای نسل‌های بعدی و حکومت‌داری سالم است. علی صلابی به نقل از کتاب: "ولایة علی‌البلدان فی عصر خلفاء الراشدین" نوشته است: پرداخت حقوق و دستمزد به کارگزاران دولت و تأمین معیشت آنان، سنتی بود که رسول خدا ﷺ آن را بنیاد نهاد و خلفای راشدین نیز از همین سنت تبعیت نمودند، تا با تأمین معاش کارگزاران دولت و بی‌نیاز کردن آنان از مردم، ایشان را در انجام هر چه بهتر وظایفشان یاری نماید.<sup>۶۷</sup> در عصر خلیفه دوم افراد صالح برای ولایت و قضاوت انتخاب شده و پرداختن حقوق کافی به آن‌ها توصیه می‌شود. چنانچه به ابوعبیده و معاذ رضی الله عنهما نوشت: مردان نیکی را برای امر قضاوت در نظر بگیرید و به فکر مخارج آن‌ها باشید. امتیازات برخی از قضات در عصر خلیفه دوم فرار ذیل بود: سلمان بن ربیع‌باهلی، قاضی کوفه ماهانه پنجمصد درهم، شریح قاضی کوفه، ماهانه یکصد درهم. عبدالله بن مسعود هذلی رضی الله عنه قاضی کوفه، ماهانه یکصد و روزی یک‌چهارم گوسفند. عثمان بن قیس بن ابی‌العاص رضی الله عنه قاضی مصر، ماهانه دو صد درهم، با حق ضیافت.<sup>۶۸</sup>

حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه برای همه کارگزاران دولت حقوق نقدی روزانه، ماهانه و سالانه مقرر کرده بود؛ چنانچه به عبدالله بن مسعود رضی الله عنه عثمان بن حنیف رضی الله عنه و عمار بن یاسر رضی الله عنه که مسئولین بلندپایه کوفه بودند، روزانه یک رأس گوسفند تعلق می‌گرفت و در میان آنان تقسیم می‌شد و برای عمرو بن‌العاص رضی الله عنه والی مصر دو صد دینار مقرر گردید و حقوق سلمان فارسی رضی الله عنه که والی مداین بود و بر بیش از ۳۰ هزار نفر فرمانروایی می‌کرد پنج هزار درهم بود؛ اما از آنجاکه از دست رنج خود نان می‌خورد و نسبت به دنیا بی‌رغبت بود، حقوقی را که از بیت‌المال دریافت می‌کرد صدقه می‌نمود.<sup>۶۹</sup> مقدار عطاء (حق‌الاجرت از بیت‌المال) به اندازه‌ای اعتبار دارد که مایحتاج زندگی‌اش را کفایت کند، آنکه عطاء از بیت‌المال می‌گیرد، نیاز نیفتد که برای تأمین معیشتش به انجام کار دیگر روی آورد. چون این کار، وی را از تلاش کاملش برای امنیت شهرها مصروف می‌سازد. عطای مقدار کفاف به این معنی است که نیازمندی‌های افراد خانواده، عایله و خدمه‌اش را تکافؤ کند. مصارف مرتبط به اسب‌های سواری و چهارپایانش را بسنده نماید، نیازمندی محل سکونتش را از نظر گرانی و ارزانی کفایت کند.<sup>۷۰</sup>

<sup>۶۷</sup> محمد علی صلابی، بررسی تجزیه و تحلیل زندگی خلیفه سوم عثمان بن عفان (بی‌جا: چاپ اول، ۱۳۸۸)، ۳۸۱-۳۸۲.

<sup>۶۸</sup> محمد علی صلابی، بررسی تجزیه و تحلیل زندگی خلیفه دوم عمر بن خطاب، (بی‌جا: چاپ اول، ۱۳۸۸) ۴۴۹؛ منیر العجلانی، عبقریة الاسلام فی اصول الحکم (بی‌جا: دارالکتاب الجدیده، ۱۹۶۵)، ۴۲۳-۴۲۴.

<sup>۶۹</sup> صلابی، بررسی تجزیه و تحلیل زندگی خلیفه دوم عمر بن خطاب، ۴۴۹؛ العجلانی، عبقریة الاسلام فی اصول الحکم، ۴۲۳-۴۲۴. العمری، الولایة علی‌البلدان فی عصر خلفاء الراشدین، ۲۰۲.

<sup>۷۰</sup> العجلانی، عبقریة الاسلام فی اصول الحکم، ۳۸۰-۳۸۱.

## ۱۱۰۴. حق تأمین نیازمندی‌ها بعد از بازنشستگی

یکی از حقوق زندانبان تأمین نیازمندی‌های آن بعد از انعزال از وظیفه و بازنشستگی است. این حق به‌طور عموم برای همه کارگزاران حکومتی است. چون آنان بهترین زمان عمر و زندگی‌شان را در خدمات عامه و کار برای پیشبرد امور حکومتی مصرف کرده‌اند، عادلانه نیست که بعد از اتمام توانمندی‌های جسمی و فرآورده‌های علمی‌شان به فراموشی سپرده شوند. بخصوص، زندانبان که بعد از انعزال از وظیفه، به‌طور معمول خطرات ناشی از انجام مأموریت او را تهدید می‌کند اگر به حال خودش رها کرده شود و هیچ توجهی به تأمین امنیت فیزیکی و معیشت او صورت نگیرد. اهمیت این موضوع برای خلفای اسلام بعد از پیامبر ﷺ واضح بود و به همین جهت بود که بعد از انعزال و یا استعفاء کارگزاران را مورد عنایت قرار می‌دادند، به نیازهایشان رسیدگی صورت می‌گرفت و از تجارب آن در امور دولت داری سود برده می‌شد. چنانچه خلیفه سوم حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه، بعد از عزل ابوموسی اشعری و عمرو بن عاص رضی الله عنه با ایشان با احترام خاص و درخور شأن رفتار می‌نمود تا آنجا که در مسائل مهم حکومتی، با عمرو رضی الله عنه مشورت می‌کرد و نظر او را جویا می‌شد.<sup>۷۱</sup> این روایات تاریخی و عملکرد خلفای راشدین رضی الله عنهم با مأمورین و کارگزارانشان بعد از انعزال از وظیفه و بازنشستگی دلالت بر توجه امور زندگی کارگزاران می‌کند که امروز در حقوق اداری کارکنان دولتی بنام حق تقاعد و بازنشستگی یاد می‌شود، عمومیت این اصل شامل حال زندانبانان به‌عنوان کارگزاران امور عامه نیز می‌شود.

## مناقشه

تصور بر این است که زندانبانان، همیشه دارای صلاحیت‌های اجرایی بوده‌اند، این صلاحیت‌ها آنان را از حقوقی که باید برایشان تعریف می‌شد، بی‌نیاز می‌سازد. درحالی‌که تکلیف و حقوق دو اصل مهم برای فرد مکلف در امور عامه است، هیچ‌گاه دیده نشده، فردی، تکالیفی بر عهده داشته باشند؛ اما هیچ‌گونه حقوقی برایش وجود نداشته باشد. به این معنا که هیچ تکلیفی وجود ندارد؛ مگر اینکه حقی را در پی دارد. این کار (تکلیف بدون حق) خلاف عدالت و عقل است، شریعت اسلامی از آن مبراء است. این که فقهاء درگذشته به گونه‌ای مستقل به آن نپرداخته‌اند، شاید آن را حکم مبتلا به، به حساب نیاورده‌اند، شاید هم عواملی نظیر استبداد و مطلق‌العنانی در حکومت‌ها و تعامل زندانبانان در کمال مطلق العنانی، در دوره تصدی این منصب بوده که بعد از آن زندانبانی به تخطی از دستورات متهم شود و تحت پیگرد قرار گیرد که به محضر محاکم حضور یابند که در کنار مسؤلیت و تکالیف بحث حقوق پادرمیانی کند. تصور نشود که شریعت اسلامی نیز به این اصل اعتناء نه داشته به همین جهت حقوقی برای زندانبانان تعریف نکرده است. با در نظر داشت این موضوع و اصول کلی شریعت اسلامی، مواصفات و حقوق زندانبانان، مورد مناقشه قرار گرفت.

<sup>۷۱</sup> صلابی، بررسی تجزیه و تحلیل زندگی خلیفه سوم عثمان بن عفان، ۳۱۸.

نتیجه‌گیری: مطالب فوق را می‌توان چنان جمع‌بندی نموده و نتایج ذیل را از آن برشمرد:

- زندانبانان به‌عنوان کارگزاران عمومی و مجریان احکام شرعی طبق دساتیر محاکم و قضات از حقوق و امتیازاتی برخوردار اند که دیگر کارگزاران عامه برخوردار هستند.
- آنان این حقوق و امتیازات را به اعتبارات مختلف مستحق می‌شوند. برخی از این حقوق به طبیعت انسان بودن و برخی به اساس کارگزار بودن برای انجام خدمات عامه، برخی حقوق را به اعتبار طبیعت اختصاصی مأموریتشان، برخی دیگر را به اعتبار اینکه آنان اموری را به نیابت و وکالت از اولوالامر انجام می‌دهند، برایشان ثابت می‌شود.
- مهم‌ترین حقوق زندانبانان حق اطاعت از جهت محبوسین در امر مشروع، حق نظارت از احوال زندانیان، حق حمایت هنگام انجام‌وظیفه و تأمین معیشت، عدم تعقیب عدلی و قضایی، تأمین نیازمندی‌های او بعد از بازنشستگی است.

## منابع و مأخذ

- ابن السّمْناني، علي بن محمد. روضة القضاة وطريق النجاة. بيروت: مؤسسة الرسالة ١٤٠٤.
- ابن بطلال، علي بن خلف. شرح صحيح البخاري لابن بطلال. الرياض: مكتبة الرشد، ١٤٢٣.
- ابن دقيق العيد، تقي الدين. شرح الأربعين النووية في الأحاديث الصحيحة النبوية. بي جا: مؤسسة الريان، ١٤٢٤.
- ابن رسلان، شهاب الدين. شرح سنن أبي داود. جمهورية مصر العربية: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث، الفيوم. الطبعة: الأولى، ١٤٣٧ ق.
- ابن عابدين، محمد أمين. رد المحتار على الدر المختار. بيروت: دار الفكر، ١٤١٢.
- ابن فرحون، إبراهيم بن علي بن محمد. تبصرة الحكام في أصول الأقضية ومناهج الأحكام. بي تا: مكتبة الكليات الأزهرية، ١٣٤٧.
- أبو يوسف، يعقوب بن إبراهيم. الخراج. بي جا: المكتبة الأزهرية للتراث، بي تا.
- الانصاري، زكريا بن محمد. أسنى المطالب في شرح روض الطالب. بي جا: دار الكتاب الإسلامي، بي تا.
- البخاري، محمد بن إسماعيل. صحيح البخاري. بي جا: دار طوق النجاة، ١٤٢٢، ٩/٦٥؛ بوستانی، فواد افرام. فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامي، ١٣٧٥.
- التويجري، محمد بن إبراهيم بن عبد الله. موسوعة الفقه الإسلامي. بي جا: بيت الأفكار الدولية. الطبعة: الأولى ١٤٣٠.
- تيمور، احمد بن إسماعيل بن محمد. معجم تيمور الكبير في الألفاظ العامية. القاهرة: دار الكتب والوثائق القومية، ١٤٢٢.
- جلال الدين. التوشيح شرح الجامع الصحيح. الرياض: مكتبة الرشد، ١٤١٩.
- الجوزي، جمال الدين أبو الفرج. كشف المشكل من حديث الصحيحين. الرياض: دار الوطن، بي تا.
- الجوزيه، شمس الدين ابن قيم. الطرق الحكمية في السياسة الشرعية. مكة المكرمة: دار عالم الفوائد، ١٤٢٨.
- الحمداني، نمرين محمد. ولاية الشرطة في الاسلام دراسة فقهية التطبيقية. الرياض: دارعالم الكتب للنشر والتوزيع، ١٩٩٤.
- الخرشي، محمد بن عبد الله. شرح مختصر خليل للخرشي. بيروت: دار الفكر للطباعة، بي تا.
- الخطابي، حمد بن محمد. معالم السنن، وهو شرح سنن أبي داود. حلب: المطبعة العلمية، ١٣٥١ ق.
- دانش، تاج زمان. حقوق زندانيان وعلم زندانها. موسسه انتشارات وچاپ دانشگاه تهران. ١٣٧٦.

- الدسوقي، محمد بن أحمد. حاشية الدسوقي على الشرح الكبير. بی جا: دار الفكر، بی تا.
- الدينوري، عبد الله بن مسلم تأويل مختلف الحديث. بی جا: المكتب الاسلامي - مؤسسة الإشراف، ١٤١٩.
- الزبيدي، محمد بن محمد. تاج العروس من جواهر القاموس. بی جا: دار الهداية، بی تا.
- الزحيلي، محمد مصطفى. الوجيز في أصول الفقه الإسلامي. دمشق: دار الخير للطباعة و النشر والتوزيع، ١٤٢٧.
- الزليعي، عثمان بن علي. تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي. القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية، ١٣١٣  
١٧٩/٤.
- السهارنفوري، خليل أحمد. بذل المجهود في حل سنن أبي داود. الهند: مركز الشيخ أبي الحسن الندوي للبحوث والدراسات الإسلامية، ١٤٢٧.
- صبره، مزار رجاستي. حقوق المتهم في الفقه الإسلامي. بی جا: جامعه النجاح الوطني، ٢٠٠٦.
- صلاحي، محمد علي برسي. تجزيه وتحليل زندگي خليفه دوم عمر بن خطاب. بی جا: چاپ اول، ١٣٨٨.
- صلاحي، محمد علي. برسي تجزيه وتحليل زندگي خليفه سوم عثمان بن عفان. بی جا: چاپ اول، ١٣٨٨.
- صلاح التجاني حمودي "نشأة وتطور الشرطة في الدولة الإسلامية" المجلة العربية للدراسات الامنية. بی تا.
- الصنعاني، عبد الرزاق. المصنف. بيروت: المكتب الإسلامي، ١٤٠٣.
- الطبري، محمد بن جرير. تاريخ الطبري - تاريخ الرسل والملوك. بيروت: دار التراث، ١٣٨٧ ق.
- الطبري، محمد بن جرير. جامع البيان في تأويل القرآن. بی جا: مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠.
- الطرابلسي، علاء الدين. معين الحكام فيما يتردد بين الخصمين من الأحكام. بی جا: دار الفكر، بی تا.
- طوسي، محمد بن حسن. المبسوط في فقه الإمامية. تهران: مكتبة المرتضوية، ١٣٨٧.
- العجلاني، منير. عقريّة الاسلام في اصول الحكم. بی جا: دارالكتاب الجديد، ١٩٦٥.
- العمرى، عبدالعزيز بن ابراهيم. الولاية على البلدان في عصر خلفاء الراشدين. رياض: دار اشبيليا للنشر والتوزيع، ٢٠٠١.
- عودة، عبد القادر. التشريع الجنائي الإسلامي مقارناً بالقانون الوضعي. بيروت: دار الكتاب العربي، بی تا.
- العيني، بدر الدين محمود. عمدة القاري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- القحطاني، سعيد بن علي بن وهف. الهدي النبوي في تربية الأولاد في ضوء الكتاب والسنة. الرياض: مطبعة سفير، بی تا.

- الكتاني، محمد عبّد الحّي. التراتيب الإدارية والعمالات والصناعات والمتاجر والحالة العلمية التي كانت على عهد تأسيس المدينة الإسلامية في المدينة المنورة العلمية. بيروت: دار الأرقم، بي. تا.
- الماوردي، علي بن محمد. الأحكام السلطانية. القاهرة: دار الحديث بي. تا.
- محمد، عبد اللطيف عبد الشافي. السيرة النبوية والتاريخ الإسلامي. القاهرة: دار السلام، ١٤٢٨.
- مراد، فضل بن عبد الله. المقدمة في فقه العصر. صنعاء: الجيل الجديد ناشرون، ١٤٣٧.
- معلوف، لويس. المنجد في اللغة العربية المعاصرة. بيروت: دار المشرق، ٢٠٠٠.
- المقدسي، موفق الدين. المغني. بي. جا: مكتبة القاهرة، ١٣٨٨.
- المقريزي، أحمد بن علي. إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٠.
- مهنا، عبد الله. على لسان اللسان. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٣.
- الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية. الكويت: ١٤٠٤-١٤٢٧.
- موقع وزارة الأوقاف السعودية، النظام القضائي، ٢٤، بترقيم الشاملة آليا.
- النمري، يوسف بن عبد الله بن محمد. التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد. المغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ١٣٨٧.
- النوي، محيي الدين. المجموع شرح المذهب مع تكملة السبكي والمطيعي. بي. جا: دار الفكر، بي. تا.
- النوي، محيي الدين. المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج. بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٣٩٢.
- النيسابوري، مسلم بن الحجاج. صحيح مسلم. بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي. تا.